موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

سخن درباره جمع یا تدوین قرآن بود که آیا در زمان پیامبر اکرم (ص) این کار انجام شده یا بعد از ایشان و توسط صحابه انجام گرفت؟ در این باره دو دیدگاه مطرح شده و دیدگاه مشهور این است که جمع و تدوین قرآن بین الدفتین بعدا و توسط صحابه انجام شده است.

در جلسه قبل عبارت سید مرتضی در این باره نقل شد. مرحوم شرف الدین در کتاب «الفصول المهمه» در این باره می گویند: «و القرآن الكريم الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه إنما هو ما بين الدفتين، و هو ما في أيدي الناس لا يزيد حرفا و لا ينقص حرفا، و لا تبديل فيه لكلمة بكلمة و لا لحرف بحرف، و كل حرف من حروفه متواتر في كل جيل تواترا قطعيا إلى عهد الوحي و النبوة، و كان مجموعا على ذلك العهد الأقدس مؤلفا على ما هو عليه الآن، و كان جبرائيل عليه السّلام يعارض رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله بالقرآن في كل عام مرة و قد عارضه به عام وفاته مرتين.

و الصحابة كانوا يعرضونه و يتلونه على النبي حتى ختموه عليه صلّى اللّه عليه و آله مرارا عديدة، و هذا كله من الأمور المعلومة الضرورية لدى المحققين من علماء الامامية، و لا عبرة بالحشوية فإنهم لا يفقهون».[[1]](#footnote-1) مرحوم شرف الدین در این کتاب اتهاماتی که به شیعه وارد شده است را جواب داده اند. ایشان می فرمایند قرآن کریم که اکنون در اختیار ما است نه یک حرف بیشتر و نه حرف کمتر دارد و هیچ کلمه ای از آن تغییر نکرده است و همه حرف ها و کلمات قرآن متواتر است. دلیل آن این است که حضرت جبرائیل (ع) هر سال یکبار کل قرآن را می آورد و بر پیامبر اکرم (ص) عرضه می کرد. کما اینکه در سال آخر دو بار قرآن را بر ایشان عرضه کرد. صحابه نیز قرآن را بر پیامبر (ص) تلاوت می کردند تا اینکه تعداد زیادی قرآن را ختم کردند. بنابراین هیچ گونه تحریفی در قرآن صورت نگرفته است و به کسانی که حرف های بی اساسی می زنند نباید توجه کرد. اگر نظر علمای شیعه را می خواهید به علمای محقق آنان مراجعه کنید.

نکته ای در باره نزول دفعی قرآن کریم

در مورد نزول دفعی قرآن و اینکه مراد از «انا انزلناه فی لیله القدر» که قرآن در آن نازل شده چیست؟ برخی می گویند مراد نزول قرآن بر آسمان دنیا یا همان بیت المامور است. بعد از آنجا به مور طی 23 سال قرآن بر پیامبر (ص) نازل شده است. برخی دیگر می گویند: مراد نزول قرآن بر قلب پیامبر (ص) است. این نزول به صورت بسیط بوده است یعنی حقیقتی تفصیل نیافته، مراد از نزول دفعی یعنی حقایق قرآن .

سوال و جواب

آیا مراد سید مرتضی و امام شرف الدین این است که سوره های قرآن به همین صورت و با همین ترتیب که الان موجود است در زمان پیامبر اکرم (ص) شکل گرفته است یا نه؟ به نظر می آید منظورشان این نباشد، زیرا آنان در مقام دفع شبهه تحریف و نسبت آن به شیعه هستند. مراد آنان این است که آیات قرآن کم و زیاد نشده است.

آیت الله خویی در کتاب «البیان فی تفسیر القرآن» که به مباحث مقدماتی قرآن و تفسیر آن پرداخته اند بیانی در این باره دارند. در میان مسلمان های همه مذاهب اسلامی در اینکه تحریف به زیادی در قرآن نداریم سخنی نیست و مساله اجماعی است، اما در اینکه آیا چیزی کم شده است یا نه اختلاف نظر است. هم در میان اهل سنت و هم شیعه کسانی بوده اند که قائل به این گونه تحریف بوده اند. علت آن هم وجود برخی روایات در این باره است. شیعه غالبا در مورد مساله ولایت این مطلب را می گوید، اما اهل سنت از حذف سوره ها و آیاتی سخن می گوید که تلاوت آنها از مدار خارج شده است. این دیدگاه از سوی اهل سنت خیلی بدتر از دیدگاه نقیصه از سوی شیعه است، چون آنان می گویند مثلا سوره ای بوده به اندازه بقره اما چون تلاوت نمی شده حذف شده است.

علمای ما این روایات را ضعیف می دانند و یا می گویند از آنها اعراض شده است، یعنی حتی اگر سند آنها صحیح باشد باز مورد قبول نیست. همچنین گفته اند مراد از این روایات تاویل است نه تنزیل و بین تنزیل و تاویل خلط شده است.

علمای اهل سنت نیز همین مطلب را گفته اند. رشید رضا صاحب تفسیر المنار می گوید: برخی علما اشتباه کرده اند که هر وحیی که نازل شده را از قرآن دانسته اند در حالی که وحی دو گونه است وحی قرآنی و غیر قرآنی. اینها اشتباه کرده اند و نباید وحی غیر قرآنی را از آیات قرآن دانست.

نکته: اگر بنا است این روایت تاویل نشود وضعیت علمای اهل سنت در این باره بدتر از ما است و اگر تاویل شود دیگر چرا نسبت تحریف قرآن به شیعه داده می شود!؟

یکی از ادله قائلین به نقیصه این است که چون قرآن به دست غیر معصوم جمع آوری شده در آن احتمال خطا است، لذا ممکن است مواردی از آیات افتاده باشد. اساس این استدلال روایات جمع القرآن است که تدوین قرآن را بعد از پیامبر (ص) می داند. مرحوم آیت الله خویی این روایات را ذکر کرده و می فرماید: اینها اشکال دارند و قابل استناد نیستند. ایشان چند اشکال ذکر می کنند، از جمله می فرماید: این روایات در میان خود دارای تناقض هستند که در ذیل به آنها اشاره می شود:

1. در تعدادی از این روایات آمده که زید ابن ثابت متصدی جمع آوری قرآن بود، اما در برخی روایات دیگر آمده است که ابوبکر به جمع آوری قرآن اقدام کرد و سپس از زید خواست تا آنچه جمع آوری کرده را تطبیق کند.

آیت الله معرفت می گوید: این اشکال وارد نیست، زیرا یک فعل را می توان به چند نفر نسبت دارد. ابوبکر که دستور داده است و عمر که پیشنهاد داده و زید بن ثابت که متصدی آن بود است. این پاسخ وارد نیست، زیرا سخن مرحوم خویی در این است که متصدی چه کسی بوده است ابوبکر یا زید.

2. تناقض دیگر این است که در برخی روایات آمده است که عمر بود که پیشنهاد این کار را داد و در برخی روایات دیگر آمده است که زید و عمر با هم نزد ابوبکر رفتند و پیشنهاد این کار را دادند.

3. تناقض سوم این است که ظاهر بلکه صریح برخی روایات این است که همه آیات در نزد ابوبکر جمع شده بود اما در برخی روایات آمده آیه «من المومنین رجال صدقوا ما عاهدالله علیه» ذکر نشده بود و بعدا توسط عثمان به قرآن اضافه شد.

4. تناقض چهارم اینکه در برخی روایات آمده که دو آیه آخر سوره توبه را ابوخزیمه انصاری آورده است (روایت 1 و 22) و در برخی روایت آمده که خزیمه ابن ثابت آنها را آورده است (روایت 8 و 11). اینها دو شخص مستقل هستند.

5. تناقض دیگر اینکه برخی روایات بیان گر این است که دو آیه آخر سوره توبه به شهادت یک نفر که خزمیه بن ثابت است نوشته شد (حدیث 1 و 9 و 22). در برخی دیگر می گوید بلکه شهادت عثمان بنابر قولی و به شهادت عمر بنابرا قولی دیگر این آیات اضافه شده است (روایت 8 و 11).

نقد و بررسی

وقتی متن واحد است و در حواشی آن اختلاف نظر داریم، به لحاظ قاعده عقلایی، نباید اصل واقعه را زیر سوال برند. در اینجا نیز کف آن را می گیریم، اما جزئیات آن را که مورد توافق نیز کنار می گذاریم. این مثل آن است که چند نفر می گویند حاتم طائی انسان بخشنده ای بود، اما در مورد نحوه بخشش او گوناگون نقل شده است. در این جا اصل بخشندگی حاتم را می پذیریم، اما کیفیت آن را نمی پذیریم.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. الفصول المهمه، امام شرف الدین، ص 241- 242 [↑](#footnote-ref-1)